

با خون سعید، بهار گریست. با خون سعید، خرداد
به پایان رسید.

به یاد او که «صدای خسته» اش «سرخ و تند و
طوفانی» بود و «نیزه های تفته ی فریادش روی
مدار آتیه و انقلاب» می چرخید؛

به یاد گرامی ی رفیق سعید سلطانپور، به یاد شاعر
انقلاب، به یاد آن لاله ی سرخ پرپر که آخرین شعر
زندگی اش را با خون خود بر تارک تاریخ نوشت.

در سالروز به خون تبیدن سعید سلطانپور، و در
گرامیداشت گلگون یاد او، ترجمه ی انگلیسی ی «با
کشورم چه رفته است؟» و «غزل زمانه» از سروده
های سعید، به کارگران و زحمتکشان دربند اما
مبارز ایران و جهان تقدیم میگردد.

